



مُنَادِیَانِ اِمْت

هفته نامه منادیان امت | شماره سی و سه | خرداد ماه ۱۴۰۵

تحلیل جامع توافق نامه / مهدویت در منابع اسلامی / شاخصه های انقلاب اسلامی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزیده‌ای از پیام حضرت آیت‌الله سیدمجتبی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب

امروز و تا این نقطه از حماسه دفاع مقدس سوم، به‌جرات میتوان گفت که شما ملت قهرمان ایران، پیروز قطعی این میدان بوده‌اید.

امروز طلیعه برآمدن جمهوری اسلامی به‌عنوان یک قدرت بزرگ و قرار گرفتن استکبار در سرایشی ضعف، مقابل چشم همگان آشکار شده است. این بی‌شک نعمتی الهی است... این نعمت هم مانند هر نعمت دیگری باید مورد شکر قرار گیرد تا بقا و رشد داشته باشد که لَنْ شَكَرْتُمْ لَازِيدَنَّكُمْ. شکر عملی این نعمت، تلاش بی‌وقفه برای رسیدن به ایران قوی است.

۲۰ فروردین ۱۴۰۵





خبر هفته

الف) محور نظامی:

مهم‌ترین بند توافق در بخش نظامی، اعلام آتش‌بس فوری و دائمی در تمامی جبهه‌ها بود. در تفاهم‌نامه تأکید شده بود که درگیری‌ها در هر دو جبهه (غزه و مقاومت فلسطین) و جنگ موازی در لبنان باید بلافاصله پایان یابد. علاوه بر این، آمریکا رسماً متعهد شد به حاکمیت جمهوری اسلامی ایران احترام بگذارد و در امور داخلی آن دخالت نکند.

فارغ از پایبندی یا عدم پایبندی این نخستین بار در ۴۷ سال اخیر بود که ایالات متحده به صورت کتبی پذیرفت که در امور داخلی ایران مداخله نخواهد کرد.

ب) محور اقتصادی:

بر اساس اعلام مقامات ایرانی و با تأیید بازرسان مستقل، آمریکا موظف شد:

۱. رفع محاصره دریایی ایران
۲. لغو تحریم‌های نفتی و اجازه به ایران برای فروش آزادانه نفت در بازارهای جهانی؛
۳. آزادسازی حدود ۲۴ تا ۲۵ میلیارد دلار از دارایی‌های بلوکه شده ایران؛
۴. بازگشایی تنگه هرمز تحت کنترل و مدیریت جمهوری اسلامی ایران.

نکته حائز اهمیت آنکه آمریکا در ازای این امتیازات، غرامت ۳۰۰ میلیارد دلاری تعیین شده از سوی ایران را برای بازسازی زیرساخت‌های ویران شده در جنگ نیز پذیرفت. بنا به اظهار مهدی محمدی (مشاور ارشد تیم مذاکره‌کننده) آمریکا و

پس از ماه‌ها درگیری نظامی در منطقه غرب آسیا که از بهمن‌ماه ۱۴۰۴ (فوریه ۲۰۲۶) با حملات گسترده آمریکا و رژیم صهیونیستی به جمهوری اسلامی ایران آغاز و به یک جنگ تمام‌عیار با اشغال نظامی تبدیل شد، سرانجام پس از ایستادگی تاریخی و مقاومت سخت‌افزاری و دیپلماتیک، توافق نامه‌ای میان تهران و واشنگتن به امضا رسید که معادلات منطقه را دستخوش تحول ساخت. این توافق که در نوزدهم ژوئن ۲۰۲۶ در شهر ژنو با میانجیگری پاکستان و قطر رسماً منعقد شد، نه تنها به حملات نظامی آمریکا و رژیم صهیونیستی پایان داد، بلکه دستاوردهای بی‌سابقه‌ای را برای ایران اسلامی به ارمغان آورد. رسانه‌های مستقل بین‌المللی نیز اذعان کرده‌اند که توافق حاصل شده «تهران را در موقعیتی بسیار قوی‌تر از قبل از جنگ قرار می‌دهد و برای آمریکا اهرم‌های بسیار کم‌تری در منطقه باقی می‌گذارد».

تحلیل جامع توافق‌نامه

۱. محتوای اصلی توافق‌نامه

بر اساس گزارشی که به‌طور گسترده توسط رسانه‌های بین‌المللی منتشر شده، متن تفاهم‌نامه دارای سه بخش اصلی بود: بخش نظامی، بخش اقتصادی و بخش هسته‌ای.

اهداف از دست رفته رژیم صهیونیستی:

هدف اول: براندازی و نابودی ساختار قدرت در ایران
نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی اعلام کرده بود که هدف اصلی جنگ، «از بین بردن تهدیدات هسته‌ای ایران و ایجاد شرایط برای برکناری دولت این کشور توسط مردم ایران» است. اما توافق نه تنها به براندازی حکومت ایران منجر نشد، بلکه جمهوری اسلامی را در سطحی بالاتر به رسمیت شناخت.

هدف دوم: انحلال کامل برنامه هسته‌ای

رژیم صهیونیستی که خواستار «حذف مواد غنی شده و برچیدن زیرساخت‌های غنی‌سازی و توقف کامل برنامه موشکی ایران» بود، در توافق با واکنش قاطعانه تهران مواجه شد و این خواسته‌ها به کلی از دستور کار خارج گشت.

هدف سوم: قطع حمایت از جبهه مقاومت

رژیم صهیونیستی و آمریکا خواستار «پایان حمایت ایران از نیروهای نیابتی و گروه‌های مسلح» در منطقه بودند. اما توافق، هیچ اشاره‌ای به این موضوع ندارد و استراتژی حمایت تهران از جبهه مقاومت همچنان پابرجاست.

هدف چهارم: غارت تنگه هرمز

وزیر جنگ و دیگر مقامات کابینه نتانیاها به صراحت اعلام کرده‌اند که از پذیرش انحصار ایران بر تنگه هرمز خودداری خواهند کرد.

نتیجه آنکه به اعتراف رسانه‌های غربی، «توافق کنونی اهداف چهارگانه رژیم صهیونیستی را محقق نمی‌سازد و می‌توان آن را یک شکست بزرگ دیپلماتیک برای تل‌آویو ارزیابی کرد».

برخی از مقامات صهیونیست آشکارا اعلام کرده‌اند که «خود را ملزم به این توافق نمی‌دانند» و به دنبال نقض آن در آینده خواهند بود. وزیر امنیت داخلی این رژیم نیز در توییتی با عصبانیت نوشت:

«توافق ترامپ ما را ملزم نمی‌کند. اسرائیل تابع آمریکا نیست و ما شریک توافقی نیستیم که امنیت ما را تضمین نکند».

متحدانش موظف شدند برنامه جامع بازسازی ایران را به ارزش حداقل ۳۰۰ میلیارد دلار آماده و ارائه کنند.

این توافق، برخلاف ادعاهای رئیس‌جمهور وقت آمریکا که در پیام توثیری خود اعلام کرده بود «تحت توافق من، هیچ پولی مبادله نخواهد شد»، به وضوح آزادسازی میلیاردها دلار از دارایی‌های ایران را تضمین می‌کند و نشان‌دهنده انعطاف ابتدایی واشنگتن در برابر خواسته‌های ایران بود.

ج) محور هسته‌ای:

بر اساس بند توافق، پرونده هسته‌ای ایران نه به عنوان یک مانع، بلکه به فرصتی برای مذاکرات فنی تبدیل شد. در این توافق:

- ایران تنها تعهد خود مبنی بر عدم ساخت یا خرید سلاح هسته‌ای را (که همواره جزء اصول انقلاب و سیاست‌های رهبری بود) تکرار کرد.

- ذخایر اورانیوم ۶۰ درصد با خلوص بالا نه به خارج از کشور انتقال، بلکه در خاک خود ایران رقیق و مصرف‌شده باقی ماند.
- برنامه موشکی و حمایت از جبهه مقاومت نیز از فهرست مذاکرات حذف شد.

- مذاکرات نهایی با آمریکا به شرط اجرای کامل تعهدات پیش‌نیاز واشنگتن انجام خواهد شد.

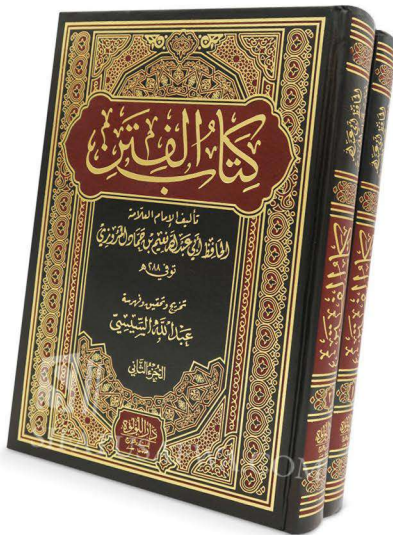
این موارد به وضوح نشان می‌دهد که دولت جدید آمریکا در واشنگتن، برخلاف دولت‌های قبلی، از مواضع خود در قبال برنامه موشکی و حمایت‌های منطقه‌ای ایران عقب‌نشینی کرده است.

۲. دلیل مخالفت رژیم صهیونیستی

رژیم اشغالگر اسرائیلی که خود عامل و آغازگر جنگ ۲۸ فوریه ۲۰۲۶ بود و با همراهی مستقیم نظامی آمریکا و متحدان غربی وارد منطقه شد، به شدت از این توافق خشمگین و ناامید است. به گزارش منابع مستقل، علت اصلی مخالفت تل‌آویو با این تفاهم‌نامه روشن بود: این توافق هیچ‌یک از اهداف سه‌گانه جنگ‌افروزان صهیونیست را محقق نکرد.



باور به منجی موعود که در پایان تاریخ، جهان را از ظلم و جور پاک و پر از عدل و داد می‌گرداند، اختصاص به دین یا مذهب خاصی ندارد. در میان فرق اسلامی، مسئله «مهدی موعود (عج)» از چنان جایگاهی برخوردار است که می‌توان آن را یکی از مشترکات عقیدتی میان شیعه و اهل سنت به شمار آورد. با این حال، پرسش از هویت، ولادت، غیبت و چگونگی ظهور آن حضرت، گاه به اختلافاتی انجامیده است که ریشه در تفاوت مبانی کلامی و منابع روایی دو مکتب دارد.



در نگرش شیعه امامیه، مهدی موعود همان حجه بن الحسن العسکری (عج)، فرزند امام یازدهم و دوازدهمین امام معصوم است که به دلیل اراده الهی و مصلحت غیبت، از نظرها پنهان گشته و روزی به فرمان خدا ظهور خواهد کرد. این اعتقاد بر پایه روایات متواتر از پیامبر اکرم (ص) و ائمه اهل بیت (ع) استوار است و کهن‌ترین منابع شیعی، نظیر «کمال الدین و تمام النعمه» نوشته شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق) و «الغیبه» تألیف شیخ طوسی (م ۴۶۰ ق)، به تفصیل به تبیین ولادت، غیبت و نشانه‌های ظهور آن حضرت پرداخته‌اند.

در مقابل نیز، بیشتر عالمان اهل سنت - به ویژه در میان اصحاب حدیث و اشاعره - نیز بر این باورند که مهدی (ع) از اهل بیت پیامبر (ص) و از فرزندان فاطمه زهرا (س) خواهد بود و در آخر الزمان قیام می‌کند. کهن‌ترین کتاب مستقل در این باب، «کتاب الفتن» نعیم بن حماد مروزی (م ۲۲۸ ق) است که مجموعه گسترده‌ای از روایات نبوی و آثار صحابه را در این زمینه گرد آورده است. همچنین متأخران اهل سنت، مانند ابن حجر هیتمی در «القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر» (م ۹۷۴ ق)، به روشی نظام‌مند به اثبات و تبیین علامات ظهور پرداخته‌اند.

با بررسی ابعاد توافق، به وضوح می‌توان دریافت که این تفاهم‌نامه نه یک «تسلیم» که «تسلیم واشنگتن در برابر تهران» بوده است.

۱. تحقق وعده صادق:

امام شهید انقلاب اسلامی در سخنان خود تأکید کردند که مقاومت، تنها راه پیروزی است و این توافق ثابت کرد که مسیر مقاومت، درست و الهی بوده است.

۲. افزایش قدرت منطقه‌ای و چانه‌زنی:

توافق کنونی، خواسته‌های اصلی واشنگتن را نادیده گرفته و تمام شروط جمهوری اسلامی را برآورده کرده است. ایران نه تنها کنترل کامل تنگه هرمز را حفظ کرده، بلکه حق نظارت و دریافت عوارض از این آبراه حیاتی را به‌طور رسمی به دست آورد.

۳. پایان تحریم‌های ظالمانه:

لغو کامل و دائمی تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا (اعم از تحریم‌های اولیه و ثانویه) در عمل به معنای شکست استراتژی «فشار حداکثری» بود.

۴. به رسمیت‌شناسی سیاسی آمریکا:

برای نخستین بار در ۴۷ سال اخیر، آمریکا در سندی رسمی پذیرفت که «به حاکمیت ایران احترام بگذارد و در امور داخلی آن دخالت نکند».

رسانه‌های غربی نیز به این حقیقت اذعان کرده‌اند که «دونالد ترامپ در عمل نتوانست به اهداف مدنظر خود دست یابد و این توافق را پذیرفت تا هر چه سریع‌تر از باتلاقی که خود ایجاد کرده بود خارج شود».

اسوشیتدپرس نیز در گزارشی نوشت: «این توافق تهران را در موقعیتی بسیار قوی‌تر از قبل از جنگ قرار می‌دهد و برای آمریکا اهرم‌های بسیار کم‌تری در منطقه باقی می‌گذارد».

توافق ژنو، نه فقط یک پیمان سیاسی، بلکه سندی است بر حقانیت اندیشه «نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی» و تأکیدی بر این حقیقت قرآنی که «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ» (سوره نحل، آیه ۱۲۸). از امروز، پرونده هسته‌ای ایران در مسیر صحیح خود قرار دارد و دست‌های پلید استکبار جهانی از دستیابی به اهداف شوم خود ناامید شده است. نظام سلطه بار دیگر در برابر اراده ملت ایران زانو زد و این پیروزی، سرفصل تازه‌ای در تاریخ جنبش‌های آزادی بخش جهان خواهد بود.

«وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا»؛ پروردگارا این پیروزی را مقدمه ای برای ظهور حضرت مهدی (عج) و نابودی کامل رژیم نامشروع صهیونیستی قرار بده.

با مراجعه به این منابع کهن و معتبر فریقین، به روشنی می‌توان دریافت که نقاط اشتراک میان شیعه و سنی در مسئله مهدویت، به مراتب بیشتر از نقاط اختلاف است؛ تا جایی که می‌توان گفت اصل اعتقاد به ظهور مهدی (عج) از ضروریات دین اسلام - چه در نگاه شیعه و چه در نگاه سنی - محسوب می‌شود. تفاوت‌های موجود عمدتاً ناظر به دو حوزه است: یکی مصداق و تعیین شخص حضرت (آیا وی متولد شده و در غیبت به سر می‌برد یا در آینده متولد خواهد شد؟) و دیگری نقش و جایگاه ایشان در کنار حضرت عیسی (ع) در هنگام ظهور. این اختلافات هرچند در مباحث کلامی و فقهی مهم هستند، اما هرگز به انکار اصل یا خدشه در ضرورت انتظار و دعا برای فرج نمی‌انجامد.

پژوهش پیش رو، با تکیه بر همین منابع دست اول و با نگاه تطبیقی، در صدد است تا نخست سیمای مشترک مهدی موعود (عج) را از زبان روایات شیعه و سنی ترسیم کند، سپس موارد اختلاف را با دقت و انصاف علمی باز نماید، و در پایان به این پرسش اساسی پاسخ دهد که چگونه با وجود این اختلافات، می‌توان از «همگرایی امت اسلامی حول محور مهدویت» سخن گفت.

۱. کمال الدین و تمام النعمه (کمال الدین و تمام النعمه)، تألیف شیخ صدوق (درگذشته ۳۸۱ هجری قمری)

این کتاب که با نام «کمال الدین و اتمام النعمه» نیز شناخته می‌شود، از ارزشمندترین و قدیمی‌ترین منابع حدیثی شیعه در زمینه مهدویت و غیبت امام زمان (عج) است.

معرفی نویسنده:

ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق، از بزرگ‌ترین محدثان و فقیهان شیعه در قرن چهارم هجری است. او در حدود سال ۳۰۶ هجری قمری در شهر قم دیده به جهان گشود و در سال ۳۸۱ هجری در شهر ری درگذشت. عنوان «صدوق» به معنای «بسیار راستگو» را به دلیل جایگاه والای او در علم حدیث به وی داده‌اند. شیخ صدوق در طول عمر پربرکت خود سفرهای علمی بسیاری به شهرهای مختلف جهان اسلام داشت و از محضر استادان برجسته‌ای بهره برد. از مهم‌ترین آثار او می‌توان به «من لایحضره الفقیه» (یکی از کتب اربعه حدیثی شیعه)، «علل الشرایع» و «التوحید» اشاره کرد.

فصل‌بندی کامل و ساختار کتاب:

«کمال الدین» دارای ساختاری منظم و دربردارنده ۵۵ فصل است که در دو جلد تنظیم شده است. فصل‌بندی اصلی کتاب به شرح زیر است:

جلد اول:

باب‌های ۱ تا ۳: مباحث مقدماتی در اثبات ضرورت وجود حجت الهی و حکمت غیبت‌های پیامبران گذشته (مانند حضرت یوسف، یونس و خضر)

باب‌های ۴ تا ۸: روایات مربوط به غیبت حضرت مهدی (عج) از پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع)

باب‌های ۹ تا ۱۲: اشارات به غیبت در قرآن و کتب آسمانی پیشین
باب‌های ۱۳ تا ۳۳: بررسی موارد مشابه غیبت در تاریخ (از جمله داستان حضرت موسی، خضر و ذوالقرنین) و پاسخ به شبهات مخالفان

باب‌های ۳۴ تا ۳۸: روایات در مورد دوران غیبت صغری و نواب اربعه

جلد دوم:

باب‌های ۳۹ تا ۴۶: مباحث مربوط به طول عمر امام عصر (عج) و شواهد عقلی و نقلی آن، از جمله معرفی افرادی که عمر طولانی کرده‌اند.

باب‌های ۴۷ تا ۵۲: بررسی علائم ظهور و نشانه‌های حتمی آن
باب‌های ۵۳ تا ۵۵: توقیعات و نامه‌های امام (عج) در دوران غیبت کبری

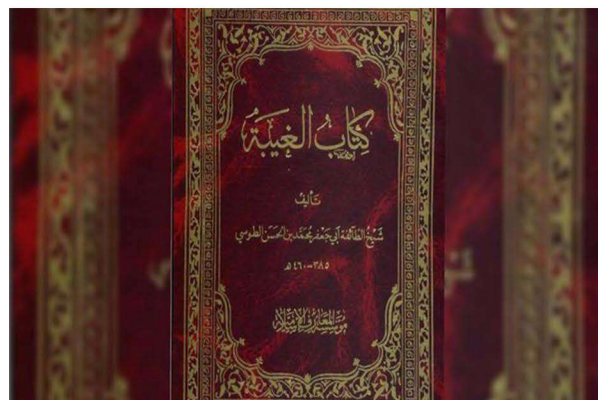
اهمیت محتوایی و جایگاه علمی:

۱. اعتبارسنجی دقیق روایات: شیخ صدوق در نقل هر حدیث، سند کامل آن را ذکر کرده و راویان را معرفی می‌نماید، که این امر نشان‌دهنده دقت و تسلط عمیق او بر علم رجال است.

۲. پاسخ به شبهات تاریخی و کلامی: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این کتاب، پاسخ به شبهات مطرح شده در مورد غیبت و طول عمر حضرت به زبان استدلالی و مبتنی بر عقل و نقل است.

۳. معرفی شواهد تاریخی از معمران: فصل مربوط به معرفی افرادی که عمر طولانی داشته‌اند، یکی از بدیع‌ترین بخش‌های کتاب است که شیخ صدوق برای اثبات امکان طول عمر امام عصر (عج) گردآوری کرده است.

کتاب «الغیبة» (یا «اثبات الغیبة») که توسط شیخ طوسی تألیف شده، از معتبرترین، قدیمی‌ترین و جامع‌ترین آثار شیعه در موضوع غیبت امام زمان (عج) است.



معرفی نویسنده:

ابوجعفر محمد بن حسن بن علی طوسی، معروف به شیخ طوسی و «شیخ الطائفة»، یکی از بزرگ‌ترین شخصیت‌های علمی تاریخ تشیع است که در سال ۳۸۵ هجری قمری در شهر طوس (خراسان) متولد شد و در سال ۴۶۰ هجری در نجف اشرف درگذشت. او در کنار شیخ کلینی و شیخ صدوق، به عنوان یکی از سه ستون علم حدیث و فقه شیعه شناخته می‌شود. کنیه او «ابوجعفر» است و گاهی به دلیل حیات پس از شیخ کلینی و شیخ صدوق، «ابوجعفر ثالث» نیز نامیده می‌شود. شیخ طوسی در بغداد از محضر اساتیدی چون شیخ مفید و سید مرتضی بهره برد. از مهم‌ترین آثار جاودان او می‌توان به دو کتاب از کتب اربعه حدیثی یعنی «التهذیب» و «الاستبصار»، همچنین کتاب فقهی «المبسوط» و کتاب رجالی «الفهرست» اشاره کرد.

ویژگی‌های منحصربه‌فرد:

الف) جامع‌ترین اثر عقلی و نقلی: بارزترین ویژگی «الغیبة» شیخ طوسی این است که اولین کتاب مستقلی است که هم ابعاد نقلی (روایی) و هم ابعاد عقلی (کلامی و فلسفی) مسأله غیبت را به صورت منسجم و یکپارچه مورد بحث قرار داده است.

ب) نزدیکی به عصر غیبت صغری: به دلیل تألیف این کتاب تنها حدود یک قرن پس از پایان غیبت صغری، نویسنده به منابع و اسناد بسیار نزدیک به دوران حضور و ارتباط با امام دسترسی داشته است.

ج) بهره‌گیری از منابع مفقود شده: شیخ طوسی در این کتاب از منابعی استفاده کرده که امروزه در دسترس نیست، از جمله «کتاب الاخبار الوکلاء الاربعه» نوشته «احمد بن نوح بصری»

فصل‌بندی کامل و ساختار کتاب:

«الغیبة» شیخ طوسی مشتمل بر حدود پانصد روایت است که در هشت فصل منسجم تنظیم شده است.

فصل اول: الکلام فی الغیبة (بحثی پیرامون غیبت)

مباحث نظری و مقدماتی در مورد مفهوم، اقسام و ضرورت غیبت نقد و بررسی دیدگاه‌های مختلف در این باره و پاسخ به شبهات اولیه

فصل دوم: فی ولادة صاحب الزمان و اثباتها بالدلیل و الاخبار (درباره ولادت حضرت و اثبات آن به دلایل عقلی و روایات)

بررسی دلایل عقلی بر امکان و وقوع ولادت حضرت مهدی (ع) نقل و بررسی روایات متواتر در مورد ولادت ایشان در سامرا

فصل سوم: فی من روی ان الائمة اثنا عشر (در مورد روایاتی که می‌فرمایند امامان دوازده نفرند)

بررسی احادیث نبوی معروف «اثنا عشر خلیفه»

تثبیت این مطلب که امام دوازدهم همان حضرت مهدی (عج) است.

فصل چهارم: پاسخ تفصیلی به شبهات و اشکالات وارد شده بر مسأله غیبت

فصل پنجم: فی علل الغیبة و الحکمة فیها (در مورد علل و حکمت های غیبت)

فلسفه غیبت و دلایل پنهان بودن امام از دیدگان مردم

تبیین حکمت‌های الهی در این امر

فصل ششم: فی فایده وجود الامام مع غیبت (در مورد فایده وجود امام در زمان غیبتش)

اثبات این که امام غایب نیز همانند امام حاضر، واسطه فیض الهی و حجت بر خلق است

فصل هفتم: فی عمر الامام و اثبات طول عمره (در مورد عمر حضرت و اثبات طولانی بودن آن)

پاسخ به شبهه «چگونه شخصی بیش از هزار سال عمر می‌کند؟» با ذکر شواهد تاریخی و علمی

بررسی موارد مشابه در تاریخ و روایات

فصل هشتم: فی نواب الامام فی حال غیبت (در مورد نایبان امام در زمان غیبت)

شرح زندگی و عملکرد «نواب اربعه» (چهار نایب خاص حضرت در غیبت صغری)

نقل وقایع و توقیعات صادر شده از جانب حضرت حجت (عج)

اهمیت محتوایی و جایگاه علمی:

۱. کتاب‌شناسی معاصر: «الغیبه» شیخ طوسی در طول هزار سال همواره مورد توجه و استناد عالمان شیعه بوده است.

۲. ترکیب عقل و نقل: شیخ طوسی توانسته با هم‌آوایی میان دلیل عقلی و روایت نقلی، تحلیلی روان و منطقی از مسأله غیبت ارائه دهد.

۳. سندیت تاریخی: به دلیل دسترسی به منابع و اسناد کهن، احادیث نقل شده در این کتاب از اعتبار بالایی برخوردارند.

در اینجا، ساختار دو کتاب اصلی و کهن اهل سنت در موضوع مهدویت را به صورت جزئی و فصل به فصل تشریح می‌کنیم.

۱. کتاب الفتن (الفتن و الملاحم)؛ تألیف نعیم بن حماد

مروزی (درگذشته ۲۲۸ هجری قمری)

این کتاب کهن‌ترین و یکی از جامع‌ترین آثار مستقل در موضوع فتن‌ها و آخرالزمان است. با این حال، باید توجه داشت که این اثر صرفاً به گردآوری روایات پرداخته است.

ساختار اصلی کتاب:

«کتاب الفتن» از ۱۰ جزء (بخش اصلی) تشکیل شده است. دلیل این تقسیم‌بندی و تفاوت حجم اجزاء با یکدیگر چندان روشن نیست، چرا که گاه روایاتی با یک عنوان واحد در اجزاء مختلف کتاب تکرار شده‌اند. کتاب در مجموع دارای ۷۷ باب است.

ساختار و ابواب (بر اساس بخش‌های اصلی):

به جهت طولانی بودن برخی عناوین، در اینجا به ذکر کلیات ابواب هر جزء می‌پردازیم:

اجزاء اول و دوم: این دو جزء عمدتاً به یادآوری هشدارهای رسول خدا (ص) و اصحاب ایشان درباره فتنه‌هایی که پس از ایشان رخ می‌دهد، اختصاص دارد.

جزء سوم: درباره «تسمیه الفتن» (نام‌گذاری فتنه‌ها) و شمارش آنهاست. نعیم بن حماد در این جزء، روایاتی را گردآوری کرده که به دستبندی و نام‌گذاری فتنه‌هایی می‌پردازد که پس از وفات پیامبر تا پیش از قیامت رخ می‌دهند.

جزء چهارم: به موضوع «خروج الحبشه» (خروج حبشیان) و فتنه‌های مرتبط با آن پرداخته است.

جزء پنجم: مشتمل بر روایاتی درباره فتح قسطنطنیه است.

جزء ششم: درباره باقی ماندن خراج‌ها و خراج‌گزاران تا وقوع فتنه‌های آخرالزمان است.

اجزاء هفتم تا دهم: این اجزاء به موضوعات پایانی و نشانه‌های بزرگ قیامت مانند «خروج المهدی»، «نزول حضرت عیسی» و «خروج دجال» اختصاص دارد.

۲. القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر؛ تألیف

ابن حجر هیتمی (درگذشته ۹۷۴ هجری قمری)

این کتاب، بر خلاف اثر قبلی، ساختاری منظم و روشمند دارد. ابن حجر هیتمی، یکی از فقیهان و محدثان بزرگ شافعی، این رساله را در پاسخ به درخواست گروهی از برادران دینی خود نگاشته است. ساختار کتاب از یک مقدمه، سه باب و یک خاتمه تشکیل شده است.

ساختار کامل و محتوای ابواب:

مقدمه (المقدمه):

در این بخش، نویسنده به موضوع دجال و مهدی می‌پردازد و به موضع‌گیری در برابر کسانی که این دو را انکار می‌کنند، می‌پردازد. ایشان با استناد به روایتی از پیامبر (ص) می‌گوید: «هر کس دجال را تکذیب کند کافر شده و هر کس مهدی را تکذیب کند کافر شده است.» همچنین در مقدمه اشاره می‌کند که اخبار مربوط به مهدی (عج) به حد تواتر رسیده و او از اهل بیت (ع) و از فرزندان حضرت فاطمه (س) است.

باب اول: در علامات و خصوصیات مهدی موعود (عج) که از پیامبر (ص) رسیده است. (۶۲ علامت)

این باب مفصل‌ترین بخش کتاب است و به ذکر ویژگی‌های شخصی، نشانه‌های ظهور و سیره حکومتی مهدی (عج) اختصاص دارد. برخی از مهم‌ترین این علامات و خصوصیات که ابن حجر هیتمی آنها را از احادیث نبوی استخراج کرده، عبارتند از:

۱. مهدی (ع) از اهل بیت (ع) و از فرزندان حضرت زهرا (س) است.

۲. نام او با نام پیامبر (ص) یکی است.

۳. نام پدرش با نام پدر پیامبر (ص) (عبدالله) یکی است.

۴. او هفت سال حکومت خواهد کرد.

۵. نشانه ظهور او، اختلاف و مرگ ناگهانی خلیفه‌ای است.

۶. مردم مکه او را میان رکن و مقام (خانه کعبه) بیعت خواهند کرد.

۷. پرچم‌های سیاهی از سمت خراسان به سوی او می‌آیند.

۸. چهره مهدی (ع) به چهره پیامبر (ص) شبیه است.

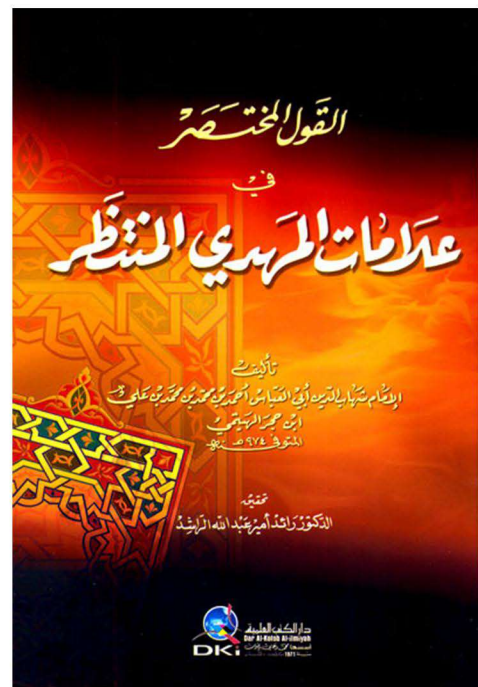
۹. یکی از القاب او «خلیفه الله» است.

۱۰. پرچم‌دار او، «فتای تمیمی» (جوانی از قبیله بنی تمیم) است.

۱۱. او زمین را از عدل و داد پر می‌کند.

۱۲. با یاری حضرت عیسی (ع)، دجال را در «باب لد» (منطقه‌ای در

فلسطین) به قتل می‌رساند.



نخست: اشتراکات بنیادین

هر دو مکتب بر این اصول با یکدیگر هم‌رأی هستند:

۱. اصل حتمی ظهور: مهدی (ع) در آخرالزمان ظهور می‌کند و زمین را پس از آنکه از ظلم و جور پر شده باشد، از عدل و داد پر می‌سازد.

۲. نسب و تبار: او از اهل بیت پیامبر (ص) و از فرزندان حضرت فاطمه زهرا (س) است.

۳. همراهی حضرت عیسی (ع) با او: عیسی بن مریم (ع) از آسمان فرود می‌آید و پشت سر مهدی نماز می‌گزارد و ایشان را در مبارزه با دجال یاری می‌کند.

۴. نشانه‌های ظهور: بسیاری از علامات مشترک، از جمله خروج سفیانی، خسف بیداء، طلوع خورشید از مغرب، و پرچم‌های سیاه از خراسان، در منابع فریقین با تعبیر نزدیک به هم نقل شده است.

۵. وظیفه منتظران: دعا برای فرج، انتظار فرج، و آماده‌باش اخلاقی و اجتماعی از تکالیف مشترک امت در عصر غیبت است.

این اشتراکات به قدری است که می‌توان ادعا کرد اگر نام راویان و سلسله اسناد را حذف کنیم، در بسیاری از موارد تفکیک روایت شیعی از سنی برای خواننده ناآشنا دشوار خواهد بود.

دوم: اختلافات اندک و قابل تأمل

مهم‌ترین نقطه اختلاف، تعیین شخص و زمان ولادت مهدی (عج) است:

شیعیان امامیه با استناد به روایات و گزارش‌های تاریخی قطعی، معتقدند حضرت مهدی (عج) در سال ۲۵۵ یا ۲۵۶ هجری قمری متولد شده، اکنون زنده است و در غیبت کبری به سر می‌برد.

برخی از اهل سنت - به ویژه متقدمانی چون نعیم بن حماد و ابن حجر هیتمی - بر این باورند که مهدی (ع) هنوز متولد نشده و در آینده - معمولاً همزمان با نزدیکی قیامت - متولد خواهد شد.

اختلاف دیگر، تعداد و ترتیب دقیق برخی نشانه‌ها و نیز برخی ویژگی‌های ظاهری (مانند نام، نام پدر، مدت حکومت) است که در منابع مختلف با اندک تفاوتی نقل شده است. با این حال، هیچ‌یک از این اختلافات به انکار ضرورت انتظار یا تردید در اصل ظهور نمی‌انجامد.

با توجه به اینکه همسانی‌های محتوایی بیش از ۹۰ درصد از آموزه‌های مهدوی را پوشش می‌دهد و اختلافات عمدتاً ناظر به جزئیات تاریخی - نه اصول اعتقادی - است، می‌توان نتیجه گرفت که باور به مهدی موعود (عج) می‌تواند یکی از مهم‌ترین محورهای وحدت آفرین در جهان اسلام باشد.

باب دوم: در علامات و خصوصیات که از صحابه (رض)

روایت شده است. (۳۹ علامت)

این باب شامل نشانه‌ها و رویدادهای آخرالزمانی است که از زبان صحابه پیامبر (ص) نقل شده است. مهم‌ترین آنها عبارتند از:

۱. «خسف بیداء»: فرو رفتن لشکری در سرزمین «بیداء» (در مسیر مدینه به مکه).

۲. هجوم ترکان.

۳. مرگ خلیفه‌ای که اموال را جمع می‌کند و جانشینی ضعیف پس از او.

۴. خروج سفیانی از شام.

۵. نزول عیسی بن مریم (ع) و نماز گزاردن پشت سر مهدی.

باب سوم: در آنچه از تابعین و تابعین تابعین (رض) در

این باره روایت شده است.

این باب به روایات نسل بعد از صحابه (تابعین) درباره نشانه‌های ظهور می‌پردازد. مهم‌ترین نشانه ذکر شده در این باب، دو نشانه حتمی و کیهانی برای خروج مهدی است:

۱. خسوف قمر (ماه گرفتگی) در شب اول ماه رمضان.

۲. کسوف شمس (خورشید گرفتگی) در نیمه همان ماه رمضان.

۳. مهدی (ع) چهل سال زندگی می‌کند و بر بستر خود می‌میرد. با بررسی محتوای چهار کتاب کهن و معتبر - دو اثر شیعی (کمال

الدین، الغیبة) و دو اثر سنی (کتاب الفتن، القول المختصر) - این حقیقت آشکار می‌گردد که مؤلفه‌های اصلی باور به مهدی موعود

(عج) در میان فریقین به طرز چشمگیری مشترک است و اختلافات موجود در مقیاس کلان اعتقادی، اندک و حاشیه‌ای به

شمار می‌آید.

امام حسین در آینه اهل سنت

الحسین بن علی بن ابی طالب (علیهما السلام) حفید رسول الله (ص) و ثمره فؤاد فاطمه زهرا (س) است. او در نگاه اهل سنت تنها شخصیتی تاریخی نیست که صرفاً برای عبرت و قصه از او یاد شود، بلکه یکی از بزرگ‌ترین رهبران آسمانی این امت محسوب می‌شود که خصلت‌های زهد، شجاعت، علم و عبادت و نیز شهادت مظلومانه وی به عنوان نماد استقامت در برابر ظلم و احیای سنت جدش شناخته می‌شود.



بر خلاف تصور برخی که امام حسین (ع) را فقط برای شیعیان می‌دانند، علمای بزرگ اهل سنت در معتبرترین کتب خود (صحاح سته و مسانید) مناقب و فضائل بی شماری برای آن حضرت نقل کرده‌اند.

ابن حجر عسقلانی در الإصابه (۶۸/۲) و ذهبی در سیر أعلام النبلاء (۲۸۴/۳) به شرح حال او پرداخته‌اند؛ ابن کثیر در البدایه والنهایه جلد مفصلی را به واقعه کربلا اختصاص داده؛ و ترمذی و نسائی در صحاح خود احادیثی در منزلت او ثبت کرده‌اند.

در این مقاله می‌کوشیم تا با تکیه بر همان منابع معتبر اهل سنت، ابعاد شخصیتی این امام همام (سید شباب اهل الجنة) را بررسی کنیم، واقعه جانسوز کربلا و میراث ماندگار او را بازخوانی کنیم.

فضائل اخلاقی

۱. سید شباب اهل الجنة:

رسول الله (ص) درباره حسین فرمود:

«الحسن والحسين سيّدا شباب أهل الجنة». صحیح ترمذی، کتاب المناقب، باب مناقب الحسن والحسين عليهما السلام: ۳۷۸

در لفظ دیگر:

«هذان ابناي وابنا ابنتي، اللهم إني أحبُّهما فأحبُّهما، وأحبُّ من يُحبُّهما». صحیح بخاری، کتاب فضائل الصحابه: ۳۷۴۸
۲. ریحان رسول الله:

پیامبر اکرم (ص) می‌فرمودند:

«إنَّ الحسن والحسين ريحانَتاي مِنَ الدُّنيا». سنن نسائی: حدیث ۸۱۴۴
۳. حب الله لمن أحب حسيناً:

پیامبر (ص) فرمود:

«مَنْ أَحَبَّ الْحَسْنَ وَالْحُسَيْنَ فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَمَنْ أَبْغَضَهُمَا فَقَدْ أَبْغَضَنِي». سنن ابن ماجه: حدیث ۱۴۳
و در جای دیگر:

«حُسَيْنٌ مِثِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ، أَحَبَّ اللَّهُ مَنْ أَحَبَّ حُسَيْنًا». سنن ترمذی: حدیث ۳۷۷۱
۴. شباهت به جدش

روایت شده است: الحسین اشبه الناس برسول الله (ص) بوده است. درباره این شباهت، ابن حجر در فتح الباری (۹۷/۷) روایت کرده است:

«رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) وَرَأَيْتُ الْحَسْنَ وَالْحُسَيْنَ، فَكَانَ الْحُسَيْنُ أَشْبَهَ النَّاسِ بِهِ». مسند أحمد: حدیث ۱۲۱۹

علم و عبادت

۱. مقام علمی:

امام حسین (علیه السلام) از محضر جدش رسول الله (ص) و پدرش علی بن ابی طالب (ع) دانش فراوانی آموخت. وی از جمله راویان حدیث از رسول خدا و پدرش است. در کتاب‌های صحاح (بخاری و مسلم) احادیثی از وی در ابواب مختلف نقل شده است. از جمله احادیثی که از آن حضرت روایت شده: «إن الحسين بن علي حدثني...». الذهبی در سیر أعلام النبلاء (۲۸۴/۳) می‌نویسد: كان الحسين أحد العلماء العاملين و الاثمة الفقهاء.

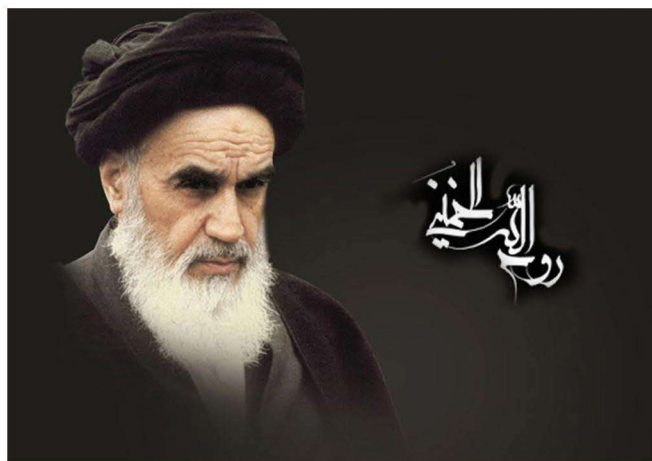
در صحیح مسلم (کتاب فضائل الصحابه: حدیث ۶۲۶۶) روایت شده که از جمله وصایای پیامبر (ص) به علی (ع) «فإنَّ الحسن والحسين هُمَا سيِّدا شباب أهل الجنة» می‌باشد که نشانگر علم و برتری اخلاقی آنان است.

۲. عبادت و زهد:

در کنار التزام به احکام الهی و ولایت فقیه، دو رکن اصلی این الگو را تشکیل می‌دهند. از نگاه معظم‌له، «مردم سالاری» بدعتی وارداتی نیست، بلکه حقیقتی است که از متن اسلام ناب محمدی (ص) و سیره علوی برخاسته است.

امام شهید در این باره می‌فرماید:

«البَّئِثَةُ يَكُ نَقْطَةُ دِيْغَرٍ، دَر مَوْرَدِ مَرْدُمِي بُوْدَن حُكُوْمَت، حَقُّ مُتَقَابِلِ مِیَانِ مَرْدَمِ وَ مِیَانِ حَاكِمٍ؛ «و لَكُمْ عَلَیَّ مِنَ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذِي لِي عَلَيَّكُمْ»؛ می‌فرماید همان مقداری که من به گردن شما حق دارم — حالا شما ببینید امیرالمؤمنین چه حق بزرگی به گردن مردم دارد؛ مظهر قدرت خدا، مظهر رحمت خدا، مظهر علم خدا، حَقِّی که بر انسانها دارد چقدر است؟ همان مقداری که من به گردن شما حق دارم — شما [هم] به گردن من حق دارید؛ مردمی بودن نظام اسلامی این است.» بیانات در دیدار اعضای شورای نگهبان، ۰۵/۰۴/۱۴۰۳



۲. دیدگاه امام خمینی (ره): اعتماد به مردم و حاکمیت رأی ایشان

امام خمینی (ره) با اعتماد و اطمینانی عمیق به مردم، نقشی مؤثر و تعیین کننده برای ایشان در حکومت قائل بودند. ایشان انتخابات و مشارکت مردمی را ستون فقرات «جمهوری اسلامی» می‌دانستند و معتقد بودند که احترام به رأی مردم خط قرمز نظام اسلامی است. آنچه این اعتقاد را بیش از پیش برجسته می‌سازد، روایتی است که امام شهید از موضع عملی امام در قبال رأی مردم بیان می‌کند:

«امام در اواخر عمرشان تصریح کردند که به آن رئیس‌جمهور اول رأی نداده بودند. می‌گفتند رأی داده، [ولی] امام تصریح کردند که من به فلان کس رأی ندادم؛ اما همان رئیس‌جمهوری که خود امام او را قبول نداشت و [به او] رأی نداده بود، تنفیذ کرد؛ چرا؟ چون مردم رأی داده بودند؛ برای رأی مردم اعتبار قائل بود؛ فکر مبنائی امام این بود.» منبع: بیانات امام شهید به نقل از امام خمینی (ره)، ۱۴/۰۳/۱۴۰۲

از جمله عبادات وی: حج بسیار (۲۵ بار پیاده به حج رفت)؛ اخلاق کریم و سخاوت بی‌نظیر (آزادسازی بردگان در راه خدا). مورخان ذکر کرده‌اند که حسین (علیه السلام) در ماه رمضان تمام شب را به نماز و دعا مشغول بود. در منابع تاریخی از جمله البدایه والنهایه (۲۱۶/۸) از قول امام سجاد (زین العابدین) نقل شده: کان اَبی الحسین (ع) یقوم اللیل کله. الذهبی در سیر أعلام النبلاء (۲۸۹/۳) نوشته است: کان الحسین کثیر الصلاة، کثیر الصیام، کثیر الحج. این روایات در کتب اهل سنت همچون تاریخ طبری (۳۳۰/۴) و أسد الغابة (۱۲/۲) نیز ثبت شده‌اند.

شاخصه‌های انقلاب اسلامی (۲)

دومین شاخصه‌ی بنیادین انقلاب اسلامی که پس از «استقلال ملی» باید به آن پرداخت، «مردم سالاری دینی» است. این مفهوم که به عنوان «جمهوری اسلامی» نیز از آن تعبیر می‌شود، ماهیت الگوی حکمرانی برآمده از انقلاب اسلامی است که از نگاه امامین انقلاب، یک «دیدگاه بدیل» در برابر لیبرال دموکراسی غرب و نظامات استبدادی شرق به شمار می‌رود. در این شماره، با تکیه بر نقل قول‌های دقیق و مستند از امام خمینی (ره) و امام شهید (ره)، به تبیین این شاخصه می‌پردازیم.



تبیین شاخصه دوم: مردم سالاری دینی (جمهوری اسلامی)

۱. مفهوم و مبانی نظری

مردم سالاری دینی در گفتمان انقلاب اسلامی، به معنای «حاکمیت و مشارکت آگاهانه و متعهدانه مردم در چارچوب شریعت اسلام» است. این مفهوم از یک سو نافی استبداد و خودکامگی است و از سوی دیگر با لیبرال دموکراسی رایج در غرب که در آن رأی اکثریت، ملاک و مناط حق و حقیقت پنداشته می‌شود، تفاوت ماهوی دارد.

امام خمینی (ره) در تبیین این مفهوم، بر دو عنصر اساسی «جمهوریت» و «اسلامیت» تأکید داشتند. مشارکت مردم و حاکمیت رأی عمومی،

که مبتنی بر فطرت و توحید طراحی شده و توان پاسخ به نیازهای واقعی جامعه را دارد.

۴. کارکردها و مظاهر عینی

شاخصه‌ی «مردم سالاری دینی» در طول عمر انقلاب اسلامی، در عرصه‌های مختلف به ظهور رسیده است:

- مشارکت سیاسی حداکثری: حضور پرشور مردم در انتخابات های متعدد ریاست جمهوری، مجلس شورای اسلامی، خبرگان رهبری و شوراهای اسلامی شهر و روستا.

- قانون اساسی مبتنی بر آرای عمومی: تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با رأی اکثریت در روزهای ۲ و ۳ آذر ۱۳۵۸.

- مکانیسم‌های نظارتی و پاسخگویی: وجود نهادهای منتخب مردم برای نظارت بر امور و امکان نقد و ارزیابی عملکرد مسئولان.

«مردم سالاری دینی» یا «جمهوری اسلامی»، دومین شاخصه‌ی مهم انقلاب اسلامی است که نشان می‌دهد این انقلاب تنها یک جنبش استقلال‌طلبانه نبود، بلکه یک «نظریه‌ی سیاسی کارآمد» برای اداره‌ی کشور نیز ارائه کرده است. این شاخصه مبتنی بر آموزه‌هایی همچون اعتماد به مردم، حاکمیت رأی و مشارکت عمومی در چارچوب شریعت شکل گرفته و مرز خود را با استبداد و لیبرال دموکراسی به روشنی ترسیم کرده است. رمز بقا و پویایی نظام جمهوری اسلامی نیز در گرو حفظ و تقویت همین پیوند ناگسستنی بین مردم و نظام سیاسی برآمده از انقلاب است.

در شماره بعد، به سومین شاخصه‌ی مهم انقلاب اسلامی از دیدگاه امامین انقلاب خواهیم پرداخت.

منادیان تقریب

سید جمال الدین اسدآبادی



در اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی (ره)، مردم نه تنها در تعیین سرنوشت خویش نقش دارند، بلکه پشتوانه‌ی اصلی بقا و تداوم نظام سیاسی نیز محسوب می‌شوند. ایشان با صراحت، پایه و مایه‌ی اقتدار یک حکومت را اتکای آن بر ملت می‌دانند:

«پشتوانه یک حکومتی ملت است، اگر یک ملتی پشتوانه حکومتی نباشد این حکومت نمی‌تواند درست بشود، این (حکومت) نمی‌تواند برقرار باشد.» منبع: صحیفه امام، جلد ۱۵، ص ۲۳۵

۳. دیدگاه امام شهید: جمهوری اسلامی، ناب‌ترین ابتکار امام امام شهید، «مردم سالاری دینی» را بزرگ‌ترین ابتکار و هدیه‌ی امام خمینی (ره) به ملت ایران و جهان اسلام معرفی می‌کنند. از نگاه ایشان، «جمهوری اسلامی» به عنوان یک الگوی نظری بدیع، ترکیبی ناب از «جمهوریت» (نقش مردم) و «اسلامیت» (حاکمیت شرع) است. ایشان در تبیین این نکته می‌فرمایند:



«امام بزرگوار ما، از روز اوّل پیروزی انقلاب، با قاطعیّت تمام، یک امر بی سابقه‌ای در کشور را تثبیت کردند و آن، دخالت مردم، حضور مردم و تأثیر مردم در اداره کشور است؛ این کار بزرگ امام بزرگوار ما بود که یکی از مهمترین حوادث تاریخ زندگی کشور ما است... ملت ایران هرگز دخالت در امور اداره کشور را تجربه نکرده بود، آزمایش نکرده بود؛ انقلاب اسلامی این را هدیه کرد به ملت ایران به دست امام بزرگوار و برجسته بینظیر ما». منبع: بیانات در مراسم تنفیذ حکم ریاست جمهوری، ۷/۰۵/۱۴۰۳

در نگاه ایشان، مردم‌سالاری دینی مفهومی فراتر از صندوق رأی و انتخابات صرف است، بلکه ناظر به حضور آگاهانه و مستمر مردم در تمام عرصه‌ها و حق متقابل مردم و حاکمیت می‌باشد. ایشان در خطبه‌ای از خطبه‌های نماز جمعه تهران (مورخ ۱۳۸۷/۰۴/۰۳)، با اشاره به نقد امام خمینی (ره) بر دموکراسی غربی، تأکید می‌کنند که این الگو در مقابل لیبرال دموکراسی و بخصوص غوغا سالاری رسانه‌ای و استبداد رأی اکثریت و مطلق انگاری آن، راه سوم است

سید جمال‌الدین اسدآبادی سال ۱۲۱۷ خورشیدی در روستای اسدآباد استان همدان ایران متولد و در سال ۱۲۷۵ خورشیدی در استامبول وفات یافت. از او با نام‌های جمال‌الدین الافغانی و سید محمد بن صفدر الحسین نیز نام برده می‌شود. اندیشمند سیاسی و مبلغ اندیشه اتحاد اسلام ایرانی تبار بود. وی همچنین از اولین نظریه پردازان بنیادگرایی اسلامی محسوب می‌شود. از او با عنوان آغازگر نهضت بیداری اسلامی در سده‌های اخیر نام می‌برند. سید جمال‌الدین اسدآبادی اولین متفکر مدرن و فعال اجتماعی بود که نسبت به بیماریهای اجتماعی جوامع مسلمان و ضعف‌های موجود در آن هشدار داد؛ و در مقابل قدرتهای غربی اسلام گرایی را تبلیغ نمود. تأثیر او بر کشورهای اسلامی، مخصوصاً ایران و مصر شایان توجه است.

سید جمال در ۱۲۵۴ هجری قمری، بنا به دستور شیخ انصاری عازم هندوستان شد و ضمن آشنایی با علوم جدید، سعی کرد تا مردم و خصوصاً مسلمانان را علیه استعمار انگلستان بسیج کند. در مصر با استقبال برخی مقامات دولتی روبرو شد و شروع به تدریس و تبلیغ کرد. بسیاری از نویسندگان و روشنفکران مصر از او بهره بردند و شیخ محمد عبده مفتی بزرگ مصر او را همچون استاد خود می‌دانست. در تحولات سیاسی مصر نقش مؤثر داشت و به همین دلیل پس از مدتی به کوشش نمایندگان خارجی که منافع خود در مصر را در خطر می‌دیدند او را از مصر بیرون کردند و به هند رفت. مدتی او را در کلکته زیر نظر حکومت انگلیسی هند نگاه داشتند و بعد که اجازه یافت از راه دریای سرخ به اروپا رفت.

سید جمال پیشگام جنبش بیداری مسلمانان

از جمله نکاتی که سید جمال همواره در چارچوب نظریه وحدت اسلامی پیگیری میکرد بحث، «همگرایی اسلامی» است. منظور از همگرایی اسلامی، اتفاق نظر پیرامون مشروعیت سیاسی نظام اسلامی از یک سو و اتحاد پیرامون کلیات اصول دین و پذیرش آن از سوی فرق اسلامی، از دیگر سو است. در اینجا قبول مشترکات دینی از سوی فرق اسلامی و توجه و دقت نظر به آن در راستای (بیداری اسلامی)، منظور سید جمال بوده است. چنانچه با دقت به این قضیه نظر کنیم، خواهیم دید، امکاناتی روشن و بس عظیم برای اتحاد عالم اسلام وجود دارد که برای ملت‌های دیگر یا نیست و یا کمتر فراهم است.

عوامل تفرقه مسلمانان از دیدگاه سید جمال الدین اسدآبادی

در قالب ۹ مورد مطرح شده است :

۱. ترک فضایل اخلاقی و رسوخ اوصاف رذيله
 ۲. فاصله گرفتن از اسلام اصیل و اولیّه و نفوذ خرافات و بدعت ها در عقاید مسلمانان
 ۳. قومیت‌گرایی و تعصبات قومی و نژادی
 ۴. عقیده بدون عمل و مسأله نفاق، قطع رابطه و عدم همکاری میان علما و زمامداران مسلمانان بلاد
 ۵. جدایی دین از سیاست و تبدیل خلافت به سلطنت
 ۶. فرقه سازی و فرقه‌گرایی
 ۷. استبداد داخلی
 ۸. استعمار خارجی
 ۹. جهل و بیخبری و عقب ماندگی در علوم و فنون.
- سید جمال خود در این خصوص چنین می نویسد: هرگاه امتی را دیدی که افرادش به وحدت و یگانگی تمایل دارند، به آن امت مژده بده که خداوند در جهان آفرینش برای آن امت، آقایی و والایی و برتری بر سایر ملتها مقدر کرده است. او به مسلمانان اصرار میکرد که تفاوت‌های فرقه ای خود را به فراموشی سپرده، یکدیگر را به خاطر خیر و صلاح امت اسلام تحمل نمایند. خواست او از مسلمانان آن بود که علم و فنآوری غرب را در کنار حفظ ارزشهای اخلاقی و دینی خود اقتباس کنند. از اختلاف و تفرقه مسلمانان و حکام آنها بسیار نالان بود و در کلام دردمندانه و حاکی از تأسف عمیق خود، بیان داشت: «مسلمانان اتفاق کردند که اتحاد و اتفاق با یکدیگر نداشته باشند. دریغا که هر یک مانند خوره همدیگر را میخورند، تیشه به ریشه هستی خود میزنند! برای خرسندی دشمنان محمد(صلی الله علیه وآله) پشت به قبله کنند! قرآن مجید را ندیده انگارند! غریزدگی را سرمایه افتخار خود و خاندانشان پندارند! از اینرو، او تنها هدف خود را اصلاح این وضع میدانست: «من صدراعظم نمیخواهم بشوم، من وزیر نمیخواهم بشوم، من ارکان دولت نمیخواهم بشوم، من وظیفه نمیخواهم، من عیال ندارم، من ملک ندارم و نمیخواهم که داشته باشم... من همیشه به یک حالت بوده و خواهم بود، جز نصیحت و اصلاح مقصد دیگری ندارم...».
- «مرا در این جهان، چه در غرب باشم و چه در شرق، مقصدی نیست، جز در اصلاح دنیا و آخرت مسلمانان بکوشم؛ و آخر آرزویم آن است که چون شهدای صالحین، خونم در این راه ریخته شود.

از جمله نکاتی که سید جمال همواره در چارچوب نظریه وحدت اسلامی پیگیری میکند بحث، «همگرایی اسلامی» است. منظور از همگرایی اسلامی، اتفاق نظر پیرامون مشروعیت سیاسی نظام اسلامی از یک سو و اتحاد پیرامون کلیات اصول دین و پذیرش آن از سوی فرق اسلامی، از دیگر سو است. در اینجا قبول مشترکات دینی از سوی فرق اسلامی و توجه و دقت نظر به آن در راستای (بیداری اسلامی)، منظور سید جمال بوده است. چنانچه با دقت به این قضیه نظر کنیم، خواهیم دید، امکاناتی روشن و بس عظیم برای اتحاد عالم اسلام وجود دارد که برای ملتهای دیگر یا نیست و یا کمتر فراهم است.

و باید گفت با وجود اختلاف و افتراقی که به سبب توطئه و تبلیغات استعمار بین مسلمانها ایجاد شده، باز هم برای ایجاد اتحاد بین ملل مسلمان، پایههایی محکم وجود دارد. با اینکه تقسیم عربی و عجمی، شیعه و سنی و... برای ایجاد فاصله بسیار موثر بوده است، باز هم آن پنج اصل مهم، برای ایجاد وحدت، موجود است. باید گفت امروز ملتهای مسلمان و بویژه دولت های اسلامی نیز در مورد آن پنج اصل اتفاق نظر دارند:

۱ اعتقاد به وحدانیت خداوند متعال

۲ اعتقاد به نبوت پیامبر اکرم (ص) و ختم نبوت

۳ اعتقاد به قرآن مجید که منزل من الله است

۴ مرکزیت کعبه بین مسلمانان

۵ کلمه توحید لا اله الا الله، محمد رسول الله

از آنجا که دوران حیات سید جمال با انحطاط و زوال مسلمین مصادف بود و جهان اسلام نیز تحت سیطره استعمارگران و فشار امپریالیسم قرار داشت، مجموع این شرایط او را به مقابله با شرایط حاکم بر جامعه اسلامی و طرح نظریه وحدت اسلامی سوق داد. او در ایجاد اتحاد میان جهان اسلام سه عامل را مؤثر میدانست: ۱ احساس مشترک نسبت به خطر؛ خطر سلطه استعمار و تهاجم فرهنگی و تحدید اسلام

۲ شناخت ابزار دفاع

۳ اتفاق آرا به هنگام اقدام

او برای دستیابی به عوامل یاد شده میکوشید تا غیرت دینی و ملی مردم را برانگیزد. از این روی همواره مسلمانان با ایمان را مخاطب قرار داده و وجود امکانات و استعدادهای امت اسلامی را بر ایشان بر میشمارد. چنانچه میگوید: مسلمانان با وجود توانایی های امت اسلامی باید در برابر تهاجم بیامان دشمن همچون سدی استوار متحد باشند.

این تواناییها در منظر او عبارتند از:

۱ پیوستگی سرزمینهای اسلامی از ادرنه تا پیشاور (به همین جهت همواره با خود یک گوی کره زمین به همراه داشت)

۲ پیام های وحدت بخش قرآن و عقاید مشترک مسلمانان

۳ توسعه کمی و کیفی مسلمانان

سید جمال از اینکه مسلمانان با وجود چنین امکانات و استعدادهایی نمیتوانند در برابر سیل تهاجم دشمنانی که از هر سو آنان را محاصره کرده، مقاومت نمایند، ابراز شگفتی کرده و آنان را سخت مورد سرزنش قرار میدهد.

در این رابطه سید به مسلمانان هشدار میدهد که، روح و خوی صلیبی همچنان در غرب مسیحی بالاحص انگلستان، زنده و شعله ور است. او معتقد است تعصب بد نیست، بلکه مانند هر چیز دیگر افراط و تفریط و اعتدال دارد. تعصب به معنی تصلب و غیرت حمایت از معتقدات معقول و منطقی، نه تنها بد نیست بلکه دارای محاسن بسیار است. بویژه آنجا که سید میگوید: «گلدستون ترجمانی است از روح پطرس راهب»، به خوبی این نکته را نمایان میکند.

سید جمال در راستای تحقق هدف (اتحاد اسلامی) مسافرت های طاقت فرسایی را به نقاط مختلف جهان انجام داد که در نهایت سبب ساز نهضتهای اسلامی در سده های اخیر در مصر و ایران و الجزایر و سایر نقاط سرزمین اسلامی شده است که ویژگیهایی چند بر آن قابل ذکر است:

۱ عملگرایی در برابر تفکرات صرفاً نظری

۲ پویایی اجتماعی در برابر روحیه صرفاً فلسفی

۳ انقلابگری در برابر محافظه کاری

۴ فرا اندیشی در برابر تفکرات ناسیونالیستی و منطقهای

۵ عدم جدایی دین از سیاست

شیخ محمد عبده

محمد عبده در سال ۱۲۶۶ق در یکی از دهکده های مصر به نام «محلّه نصر» در شهر «شبراخیت» از توابع استان «بحیره» واقع در شمال مصر، از پدری ترکمن و مادری عرب تبار متولد شد. نامش محمد بود و پدرش را عبده خطاب می کردند، شغل او در ابتدا کشاورزی بود، قرآن را پس از ۱۰ سالگی یاد گرفت و حافظ قرآن شد.

در سن ۱۳ سالگی به اجبار پدر برای تعلیم معارف اسلامی وارد مرکز «جامع احمدی» شد. او آموزه‌های آنجا را به جهت سختی معلومات و خشکی و جمودی روش درسی، دوست نداشت، چیزی هم از آنجا یاد نگرفت، به همین خاطر آنجا را رها کرد و به روستای خود برگشت و به کشاورزی پرداخت. اما پس از مدتی به سفارش شیخ درویش خضر (دایی پدرش) که نظرات او را می‌پسندید، دوباره به جامع احمدی بازگشت و بعد به الأزهر رفت.

علاوه بر شیخ درویش او از محضر شیخ حسن الطویل و سید جمال الدین اسد آبادی بهره برد. همچنین به توصیه سید جمال به مطالعه علوم عقلی پرداخت و وارد شغل معلمی شد و شاگردان زیادی را تربیت نمود که از جمله آن‌ها می‌توان به محمد رشید رضا، سعد زغلول، طه حسین، عبدالغادر مغربی، مصطفی عبدالرزاق و شیخ محمود شلتوت اشاره کرد.

عبده علاوه بر کار معلمی کار سیاسی هم می‌کرد و به‌خاطر همین کار وارد حزب وطنی مصر شد. وی همچنین بنا به پیشنهاد ریاض پاشا (وزیر خدیو پاشا) به سردبیری روزنامه «وقایع مصریه» منصوب شد. عبده همچنین در انتشار روزنامه «عروۃ‌الوثقی» با سید جمال نیز همکاری می‌کرد.

محمد عبده پس از چند سال و با تغییر و تحولی که در بدنه سیاسی اجتماعی جامعه ایجاد شد، با عضویت انتصابی در اواخر عمر در مجلس شورا که هیئت مشورتی بود، زندگی خویش را سراسر به اصلاح فکر دینی، سازمان‌های دینی و فعالیت‌های خیریه وقف کرد.

در سال ۱۸۹۹م خدیو مصر، عبده را به مقام مفتی منصوب کرد و تا پایان عمر بر این مسند باقی ماند.

در ماه ربیع‌الثانی ۱۳۲۳ق شیخ محمد عبده در معده و کبد خود احساس درد می‌کرد. وقتی به پزشکان مراجعه نمود، تأکید کردند که از فعالیت‌های خود بکاهد، بیشتر استراحت کند و برای معالجه به اروپا سفر کند. اما عبده با آن‌همه مسئولیتی که داشت نمی‌توانست بیکار بنشیند و یا به اروپا سفر کند.

بنابراین مریضی او شدت گرفت؛ پزشکان نظر دادند که در حال حاضر نمی‌تواند به اروپا سفر کند زیرا قدرت جسمی کافی برای تحمل سختی‌های سفر با کشتی را ندارد و باید در مصر معالجه شود.

عبده به اسکندریه رفت و از پزشکان آنجا نیز پرس‌وجو کرد. آن‌ها نیز نظر پزشکان قاهره را تأیید نمودند؛ از این‌رو شیخ محمد عبده به بخش رمل اسکندریه که منزل برادرش در آنجا بود رفت و در منزل برادر خود مستقر شد.

پس از پخش خبر شدت گرفتن بیماری شیخ محمد عبده، عده زیادی از بزرگان به عیادتش رفتند و برخی نیز پزشکان متخصصی را برای معالجه وی فرستادند. اما مریضی شیخ شدت گرفت و در ساعت پنج بعدازظهر روز هشتم جمادی الاولی سال ۱۳۲۳ق در سن ۵۶ سالگی فوت نمود (ر.ک: امین، ۱۳۷۶ش، ص ۲۹۳، ۲۹۴).

مهم‌ترین مراحل زندگی شیخ محمد عبده را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

تعلیمات اولیه

- آشنایی و شاگردی سید جمال الدین اسد آبادی
- پیگیری نهضت پس از تبعید سید جمال و دعوت از مردم مصر
- سفر به مغرب‌زمین و آشنایی با تمدن جدید غرب
- بازگشت به مصر و گذار از فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی به اشتغالات آموزشی و قضایی

مهم‌ترین آثاری که از عبده به‌جای‌مانده است عبارت‌اند از:

۱. تفسیر المنار: رشید رضا از محرم سال ۱۳۱۷ق تا نیمه محرم سال ۱۳۲۳ق، نکات تفسیری استادش عبده را یادداشت می‌کرد و تا آیه ۱۲۶ سوره نساء پیش رفت و بر اثر فوت استاد ناتمام ماند.

شیخ محمد عبده در این تفسیر، اهمیت زیادی برای اخلاق قائل است و هدف او از این تفسیر تأکید بر جنبه‌های هدایتی و ارشادی و اخلاقی قرآن است.

روش تفسیری عبده، این بود که فقط قرآن را پیش رو داشت و گاهی با مراجعه به بعضی منابع لغوی، صرف و نحو و بدون استفاده از تفسیر دیگری، قرآن را تشریح نمود. از آن‌جا که مقصود اصلی عبده، تفسیر روح و معانی کلی آیات قرآن، بدون پرداختن زیاد به واژگان است، از همان ابتدای تفسیرش، مسائل لغوی، صرف و نحوی را که تعداد زیادی از تفاسیر قرآنی آکنده از آن‌هاست، بی‌فایده شمرده و به آن‌ها توجه نداشت.

عبده برخلاف بعضی، به گردآوری آنچه دیگران گفته‌اند، روی نمی‌آورد و معتقد بود: خداوند در روز قیامت از ما نمی‌پرسد که خلائق و مردم چه گفته‌اند و یا چه دریافت کرده‌اند؛ بلکه

می‌پرسد که ما خود از کتاب او چه دریافت کرده‌ایم و آیا از دستورهای او پیروی کرده‌ایم یا خیر؟
عبده همواره با تفسیر ظاهریه و مشبهه که نصوص قرآن و حدیث را به معنای ظاهری آن حمل می‌کردند و توجهی به عقل نداشتند، سخت مخالف بود (خرمشاهی، ۱۳۷۶ش، ص ۲۳۶).

۲. رساله التوحید: این کتاب بیشتر شامل افکار کلامی، پیرامون شناخت خداوند و معرفت و افکار اجتماعی او است، او در این کتاب که آن را در بیروت نگاشته است، با ارائه گزارشی از مراحل گوناگون تحول فکر اسلامی، ریشه‌های جمود فکری مسلمانان و راه‌های علاج نظری آن‌ها را بیان می‌کند.

۳. شرح نهج البلاغه: احتمالاً تحت تأثیر سید جمال نگاشته شده است، از جهت فصاحت و جنبه ادبی نیز از ارزش بالایی برخوردار است. او معتقد بود: «سخن امام علی بن ابیطالب پس از قرآن و احادیث رسول خدا (ص) شریف‌ترین، بلیغ‌ترین و جامع‌ترین سخنان است».

همچنین می‌گوید: «من به هنگام مطالعه این کتاب، گاه خود را در جهانی می‌یافتم که ارواح بلند معانی، با زیور عبارت‌های پرفروغ آن را آباد ساخته است و عقل نورانی از عالم الوهیت جداگشته است و به روح انسانی اتصال یافته، او را از لابه‌لای پرده‌های طبیعت بیرون آورده و تا سراپرده ملکوت اعلیٰ بالا برده است و تا شهود گاه فروغ فروزنده آفرینش رسانده است».

در این کتاب در برخی موارد به توضیح رویدادهای تاریخی پرداخته و در همین موارد است که انصاف و بیطرفی او نسبت به مسائل شیعه و اهل سنت و دغدغه و اندیشه وحدت اسلامی آشکار می‌شود.

۳. حاشیه بر شرح دوانی بر «العقائد العضدیه» دروس من القرآن: شیخ در سال ۱۲۹۵ق موفق شد تا حاشیه‌ای بر شرح جلال‌الدین دوانی درباره «العقائد العضدیه» بنویسد که با الهام از درس‌های سید جمال‌الدین، بر آن حاشیه زند. این کتاب که اولین اثر عبده در زمینه علم کلام است در مصر و با مقدمه دکتر سلیمان دنیا تحت عنوان «الشیخ محمد عبده بین الفلاسفه و الکلامیین» به چاپ رسید.

۴. الواردات: عبده این رساله را در سال‌های اول آشنایی اش با سید جمال‌الدین در سال ۱۲۹۰ق به نگارش در آورد. وی در آن زمان ۲۵ سال سن داشت. شیخ این رساله را به ۱۲ بخش

تقسیم کرده و هر قسمت آن را وارد نامید که نکات عمیق زیادی را در بردارد. این کتاب در قالب یک کتاب عرفانی نوشته شده است و به اثبات واجب‌الوجود پرداخته و صفات و کمالات حق را بازگو می‌کند.

۵. کلمات الامام و مقتبس السیاسة: که هر دو شامل مجموعه‌ای از سخنان امام علی (ع) است که نشانگر علاقه وافر او به کتاب شریف نهج البلاغه است که در زمینه‌های مختلف خصوصاً سیاست جمع‌آوری شده که به شرح عهدنامه‌های امام علی (ع) به مالک‌اشتر می‌پردازد.

۶. رساله الرد علی الدهرین: این کتاب که پیرامون رد ادعاهای طبعیون و مادیون بحث می‌کند.

۷. الاسلام الرد علی متغدی

۸. اصلاح المحاکم الشرعیه

۹. الاسلام و النصرانیة بین العلم و المدنیة

علاوه بر آثار ذکر شده، کتاب‌های دیگر و مقالات متعددی که در مجله العروة الوثقی و دیگر مجلات به چاپ رسیده، از ایشان برجای مانده است.

۳) اندیشه‌های اصلاحی شیخ عبده

اصلاح از دیدگاه اندیشمندان اسلامی، مفهوم قرآنی است که در برابر فساد معنا می‌یابد و در راستای فساد هرآنچه که دچار فساد شده باشد، کاربرد دارد. از دیدگاه عبده، هر گونه تحول سیاسی بدون، زیربنای فرهنگی و تربیتی به شکست می‌انجامد.

اندیشه‌های اصلاحی شیخ عبده را می‌توان در موارد ذیل خلاصه نمود:

الف) عبده شاگرد مکتب سید جمال بود اما شیوه‌ها و نوع برخوردش با او همگون نبود. او بعد از تبعید سید جمال در روزنامه مصری، خط اصلاح طلبانه‌ای را پیش گرفت و گرایش‌های انقلابی را به رعایت تمامی جوانب فرا می‌خواند. تمامی همت و تلاش عبده به اصلاح فکری و تربیتی معطوف می‌شد و از اصطکاک سیاسی با دولت انگلیس بر حذر بود.

ب) عبده از مبارزات شدید سیاسی پرهیز می‌کرد و بیشتر به جریان اصلاحی توجه می‌کرد.

ج) عبده اصلاح تربیتی و فرهنگی را مقدم بر همه چیز می‌دانست.

د) عبده در شکل مبارزه به کادرسازی و تربیت نیرو معتقد بود.

ه) همشینیان او اکثراً از حوزویان و دانشگاهیان بودند؛ محفل درس او را این افراد گرم می‌کردند، حتی مستمعان سخنرانی‌های او در مساجد را اغلب این طبقه شکل می‌دادند.

و) او اصلاح اجتماعی را در پرتو اصلاح فردی می‌داند، گرچه به زندگی اجتماعی و احکام آن نیز بی‌توجه نیست. در ادامه به بررسی اندیشه‌های اصلاحی شیخ عبده از دیدگاه اجتماعی، دینی و سیاسی می‌پردازیم:

۱. تمایلات عبده به اصلاح اجتماعی

محمد عبده در زمان حکومت خدیو عباس به او نزدیک شد تا اهداف خود را عملی کند، او با قانع کردن خدیو در سه زمینه اصلاحات را شروع کرد؛ اولین قدم دانشگاه الأزهر بود که با تغییر امکانات رفاهی و تغییر برنامه‌های درسی فصل نوینی را در جهت پیشرفت علمی آنجا آغاز کرد.

قدم بعدی اصلاح در اوقاف بود و مرحله آخر اصلاح در دادگاه های شرعی بود.

شیخ محمد عبده بعد از آنکه مفتی مصر شد با فتوای خود باعث شد که دیدگاه و نظریات بسیاری از مردم را راجع به اسلام و مسائل جهان اسلام تغییر دهد تا این که آن‌ها از بسیاری از عقاید نادرست دیرین خود دست بکشند.

۲. توجه به اصلاحات دینی

شیخ محمد عبده چاره مقابله با هر دو جریان تحجر و غریزدگی را احیای فکر دینی و بازگشت به سرچشمه‌های اصلی شریعت اسلامی از راه مبارزه با تقلید می‌دانست.

وی به‌مانند سید جمال با این فکر مخالفت کرد که باب اجتهاد از زمان امام احمد بن حنبل بسته شده و از این جهت با علمای الأزهر مخالف بود؛ البته معتقد بود که تنها راسخان در علم می‌توانند به اجتهاد بپردازند.

در مواجهه شریعت اسلامی با مسائل دنیای جدید و تطبیق آن‌ها با هم به نظر عبده باید دو اصل را به کار بست:

۱. اصل مصلحت یا استصلاح

۲. اصل دوم تلفیق است که مقصود عبده از آن آمیختن و سازگار کردن مذاهب مختلف است در حل مسائل اجتماعی.

وی نه تنها در برابر مذاهب اسلامی غیر از مذهب خود اعم از مذاهب اهل تسنن یا مذهب شیعه بلکه نسبت به ادیان یهود و مسیحیت هم با تساهل رفتار می‌کرد.

شیخ محمد عبده درباره وهابیت عقیده داشت که آن‌ها در بعضی مسائل اسلامی غلو می‌کنند؛ به‌طوری‌که سایر مسلمین نمی‌توانند عقاید آن‌ها را بپذیرند.

عبده عقیده دارد: «وهابی‌ها از اصولی دست برداشتند که دین بر پایه آن‌ها استوار است. این‌ها نه دوستدار دین‌اند و نه دوستدار تمدن».

وی در جای دیگر پیرامون وهابیت می‌گوید: «چرا باید با زور سلاح، مسلمانان را به فرمان‌برداری وادار کرد؟ اگر لاقل فقط در مقام حرف بود و (به این تهدیدها) عمل نمی‌کردند، مشکلی نبود، آن‌ها به حرف های ناحق خود عمل می‌کنند».

۳. اندیشه‌های سیاسی

عبده دو آرزو داشت. یکی آرزوی وحدت و اتحاد ملت مسلمان و دوم آرزوی یگانگی ملت مصر که شاخه‌ای از امت اسلامی بود. گرچه این دو آرزو چندان با هم قرابت نداشتند اما او سعی کرد که هرگز از جدایی بین سیاست و دیانت صحبت نکند و اعتقادی هم به آن نداشت.

او حکومتی را می‌پسندید که در آن کارها بر اساس مشورت مردم پیش رود و معتقد بود که حاکم اسلامی باید به پیروی از شریعت اسلامی و مشورت با اهل حل و عقد به دادگری حکومت کند (همان).

۴. عبده و وحدت دنیای اسلام

شیخ محمد عبده مانند سید جمال به وحدت دنیای اسلام می‌اندیشید و با تعصبات فرقه‌ای رابطه‌ای نداشت، همسازگری او با پیروان مذاهب دیگر به‌ویژه دوستان شیعی و ایرانی سید جمال‌الدین بهترین نشانه وسعت مشرب و اعتقاد او به همگرایی و اتحاد مذهبی است. همچنین شرح نهج البلاغه او گامی مؤثر در جهت وحدت و تقریب بین مذاهب اسلامی بود. در جای‌جای این کتاب می‌توان آزادت و علاقه قلبی وافر شیخ عبده را به حضرت علی (ع) یافت.

نظریات عبده درباره مسئله تلفیق فقه مذاهب اسلامی بیشتر در کتاب «الاسلام والنصرانیة» او درج شده است. عبده با طرح اصل تلفیق و فقه مقارن از مذاهب اسلامی و حتی فراتر از آن‌ها با اجتهاد آزاد خود گرایش‌های تقریبی خود را بروز داد.

شیخ درباره جمعیت دارالتقرب نیز که بعدها تشکیل شد نیز گام‌های مؤثری برداشت و تا چند سال شاگردان او در مقام مفتی و رئیس الأزهر و علمای طراز اول مصر بودند. شیخ محمد عبده شدیداً با اختلافات و نزاع‌های فرقه‌ای غیرمنطقی و زیان‌بار مخالفت می‌کرد.

استاد شهید مطهری درباره شیخ محمد عبده می‌گوید: «عبده با سید جمال در دو جهت اختلاف نظر دارد؛ یکی این که سید انقلابی فکر می‌کرد و عبده طرفدار اصلاح تدریجی بود. دیگر این که سید مبارزه با استبداد و استعمار را در رأس برنامه‌های خود قرار داده بود و معتقد بود باید اول ریشه‌های این ام‌الفساد را کند و دور انداخت. ولی عبده، لاقل در اواخر عمر و بعد از جدانشدن از سید در پاریس و بازگشت به مصر، معتقد بود که آموزش و پرورش و تربیت دینی جامعه بر تعلیم و هر حرکت سیاسی تقدم دارد.»

است که شیخ محمد عبده با وجود تعلق به جامعه مصر، از حیث اندیشه‌های سیاسی و دینی، وجه‌های فراملّیتی و مذهبی یافته است.

امید است که بتوانیم با بهره‌گیری از آرای پیشگامان بیداری اسلامی، همچون «شیخ محمد عبده» قدمی به‌سوی وحدت امت اسلامی و تقریب مذاهب اسلامی برداریم.

منادیان تفرقه ربیع المدخلی

ربیع المدخلی؛ منادی تفرقه در لباس دفاع از سنت



ربیع بن هادی بن محمد عمیر المدخلی (۱۳۵۱-۱۴۴۷ق / ۱۹۳۳-۲۰۲۵م) از جمله شخصیت‌های تأثیرگذار تکفیریان درباری معاصر است که نامش با جریان «مدخلیه» یا «سلفیه جامیه» گره خورده است. او استاد دانشگاه اسلامی مدینه و رئیس بخش مطالعات سنت در این دانشگاه بود. با وجود ادعای دفاع از «منهج سلف»، عملکرد فکری و عملی او بیش از هر چیز به تفرقه‌افکنی در میان اهل سنت انجامیده است؛ تفرقه‌ای که با نقد افراطی مذاهب فقهی، تکفیر و تخریب چهره‌های علمی مخالف، و دفاع بی‌قید و شرط از آل سعود در برابر سایر حکام اسلامی، چهره‌ای ملموس و عینی یافته است. این نوشتار در پی آن است که با نگاهی پژوهشی، ابعاد این تفرقه‌افکنی را فارغ از شعار، مستند به اقوال و آثار خود او به تصویر کشد.

اول: زندگی و بستر فکری

ربیع المدخلی در سال ۱۹۳۳م در روستای «الجرادیة» در منطقه جازان (جنوب عربستان سعودی) متولد شد. او از قبیله «المداخله» است که نام جریان منسوب به او نیز از همین قبیله گرفته شده است. تحصیلات خود را در عربستان به پایان رساند و مدرک دکترای خود را در سال ۱۹۸۰م از دانشگاه ملک عبدالعزیز دریافت کرد. او پس از مدتی تدریس در دانشگاه اسلامی مدینه، به ریاست بخش «دراسات السنّة» در همین دانشگاه رسید.

اهمیت تعلیم و تربیت از نظر عبده تا آن حد است که تربیت را اساس همه چیز می‌دانست و معتقد بود: همه چیز بر اساس آن پایه‌ریزی می‌شود و هر چه به وجود می‌آید، با علم به وجود می‌آید.

به همین جهت بود که عبده در دوره اقامت در پاریس به سید جمال پیشنهاد داد که سیاست را رها کند و با هم به محلی بروند که تحت مراقبت دولت‌ها نباشند و با تربیت شاگردان، آنان را برای برنامه اصلاحی خود آماده سازند، ولی سید جمال نپذیرفت.

به‌هر حال اختلافات شیخ با سید، وفاداری او به گرایش اصلاح طلبی موجب شد که حرکت احیای دینی به دوشاخه تقسیم گردد.

گروهی به شیوه سید جمال وفادار ماندند و انقلاب عظیم را خواستار بودند و گروهی دیگر از شیوه و مسلک عبده پیروی می‌کردند و خواهان اصلاح درونی و حرکت گام‌به‌گام بودند.

پس از سید جمال، دومین شخصیتی که نامش به‌عنوان مصلح در جهان تسنن، بالخصوص در جامعه عرب، برده می‌شود شیخ محمد عبده شاگرد و مرید سید جمال‌الدین اسدآبادی است. عبده روح خود و زندگی معنوی خود را مدیون سید جمال می‌دانست.

شیخ محمد عبده در رویارویی با غرب نیز عقیده داشت که باید به اسلام راستین بازگشت که اگر چنین شود، تمامی مشکلات جامعه اسلامی حل خواهد شد.

او دارای تعصب فرقه‌ای نبود و عقیده داشت مذاهب اسلامی و حتی فراتر از آن ادیان الهی باید با یکدیگر وحدت داشته و با هم همکاری نزدیکی داشته باشند. به همین خاطر هنگامی که در بیروت به سر می‌برد، کانونی را در آن شهر به نام «جمعیه التقریب بین الادیان و المذاهب» ایجاد کرد که عده زیادی از علما و ادبا در آن شرکت می‌کردند و مسیحیان نیز به این مجالس می‌آمدند. وی در این کانون در مورد وحدت ادیان الهی سخن می‌گفت.

فعالیت دیگر محمد عبده در راه تقریب مذاهب و ادیان، چاپ مقالاتی در مجله عروۃ‌الوثقی بود. این مجله با همکاری سید جمال‌الدین و شیخ محمد عبده چاپ و منتشر می‌شد. مقالاتی با عناوین مسیحیت و اسلام و پیروان آن دو؛ وحدت اسلامی و دعوت مردم ایران برای اتحاد با افغان‌ها را چاپ نمود.

به دلیل داشتن دغدغه اصلاحگری و وحدت امت اسلامی

جریان «مدخلیه» که او بنیان‌گذار آن به شمار می‌رود، در اوایل دهه ۱۹۹۰م در عربستان شکل گرفت و به تدریج به کشورهای دیگر نیز گسترش یافت. این جریان بر دو اصل اساسی استوار است: ولایت مطلق برای حاکمیت آل سعود و تهاجم مستمر به مخالفان، به ویژه جریان‌های اسلامی دیگر.

دوم: تفرقه‌افکنی در میان اهل سنت؛ نقد و تخریب مذاهب چهارگانه

یکی از بارزترین جلوه‌های تفرقه‌افکنی ربیع المدخلی، موضع او در برابر مذاهب چهارگانه اهل سنت (حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی) است. او در حالی که ظاهراً از این مذاهب دفاع می‌کند، در عمل با رویکردی دوگانه و «حیله‌آمیز» آنان را تحقیر و تخریب می‌کند.

در کتاب «جماعه واحده لا جماعات»، المدخلی در نسخه اولیه خود به صراحت اتباع مذاهب چهارگانه را به بدعت‌های خطرناک متهم کرده و عقاید آنان را «جهمی، صوفی و مشرک» توصیف می‌کند. او می‌نویسد:

الذی نعرفه أن أتباع المذاهب اليوم، وقبل اليوم على بدع خطيرة. فعقائدهم عقائد جهمیة من تعطيل صفات الله تبارک وتعالی، إلا القلیل منها. وهم على طرق صوفیة شتی، قادریة، ورفاعیة، وشاذلیة، وتيجانیة، ومرغنیة، وبرهانیة، ونقشبندیة، وسهروردیة، وجشتیة، بل على طرق کثیرة لا تحصی، وکلها تتبنى عقیده الحلول، ووحدة الوجود، واعتقاد أن الأولیاء یعلمون الغیب ویتصرفون فی الکون، واعتقاد جواز الاستغاثه بهم فی الشدائد، وتقديم القرابين والنذور لقبورهم. وکلهم یحاربون المنهج السلفی بما فیہ من عقائد التوحید».

ترجمه: «آنچه ما می‌دانیم این است که پیروان مذاهب [چهارگانه] امروز و پیش از امروز، بر بدعت‌های خطیری هستند. عقاید آنان عقاید جهمی و تعطیل صفات خدای تبارک و تعالی، جز اندکی از آن است. آنها بر طرق مختلف صوفیه هستند: قادریه، رفاعیه، شاذلیه، تیجانیه، مرغنیه، برهانیه، نقشبندیه، سهروردیه، چشتیه، بلکه بر طرق بسیاری که قابل شمارش نیست، و همگی عقیده حلول و وحدت وجود را دنبال می‌کنند و معتقدند که اولیا غیب می‌دانند و در کائنات تصرف می‌کنند، و معتقد به جواز استغاثه به ایشان در سختی‌ها و تقدیم قربانی‌ها و نذرهای بر قبور ایشان هستند. و همگی با منهج سلفی که مشتمل بر عقاید توحیدی است، می‌جنگند».

در جای دیگر، المدخلی با صراحت بیشتری به نفی لزوم

پیروی از مذاهب چهارگانه می‌پردازد و هر کس را که بر لزوم تبعیت از این مذاهب تأکید کند، «اهل ضلال» و «محارب دعوت الله» می‌نامد:

«هذا کلام لا یقولہ عالم، لا نعرف عالماً یقول هذا إلا اهل الضلال... والذی یقول هذا الکلام محارب لدعوة الله والاعتصام بکتابه وسنة نبیه».

ترجمه: «این (تبعیت از مذاهب) سخنی نیست که یک عالم بگوید؛ ما عالمی را نمی‌شناسیم که این را بگوید مگر اهل ضلالت... و کسی که این سخن را بگوید، محارب با دعوت خدا و تمسک به کتاب و سنت پیامبر اوست».

او با این رویکرد، عملاً پایگاه علمی و فقهی مذاهب چهارگانه را که قرن‌ها مرجعیت فکری اهل سنت بوده‌اند، تخریب کرده و راه را برای هرج‌مرج فقهی و فردگرایی افراطی در فهم دین گشوده است. این رویکرد نه تنها وحدت فقهی اهل سنت را نشانه گرفته، بلکه با تحقیر ائمه مذاهب، زمینه را برای تفرقه بیشتر در صفوف آنان فراهم آورده است.

سوم: دفاع بی‌قید و شرط از آل سعود؛ تمایز میان حاکمان
در حالی که المدخلی در نقد مذاهب چهارگانه و چهره‌های علمی مخالف خود، سخت‌گیرانه و بی‌امان عمل می‌کند، در مواجهه با حاکمان سعودی رویکردی کاملاً متفاوت در پیش می‌گیرد. جریان مدخلیه بر اساس «ولایت مطلق برای سلطه آل سعود» بنا شده است؛ به گونه‌ای که اطاعت کامل از حاکمان و دفاع از سیاست‌های آنان، هرچه که باشد، از اصول اساسی این جریان به شمار می‌رود.

المدخلی «هر گونه ابراز نظر مخالف با سلطه را خروج از شرع و ایجاد فتنه می‌داند». این رویکرد دوگانه، از نگاه منتقدان، نه یک موضع‌گیری اصولی، بلکه ابزاری برای تأمین منافع سیاسی و حفظ جایگاه خود در ساختار قدرت عربستان بوده است.

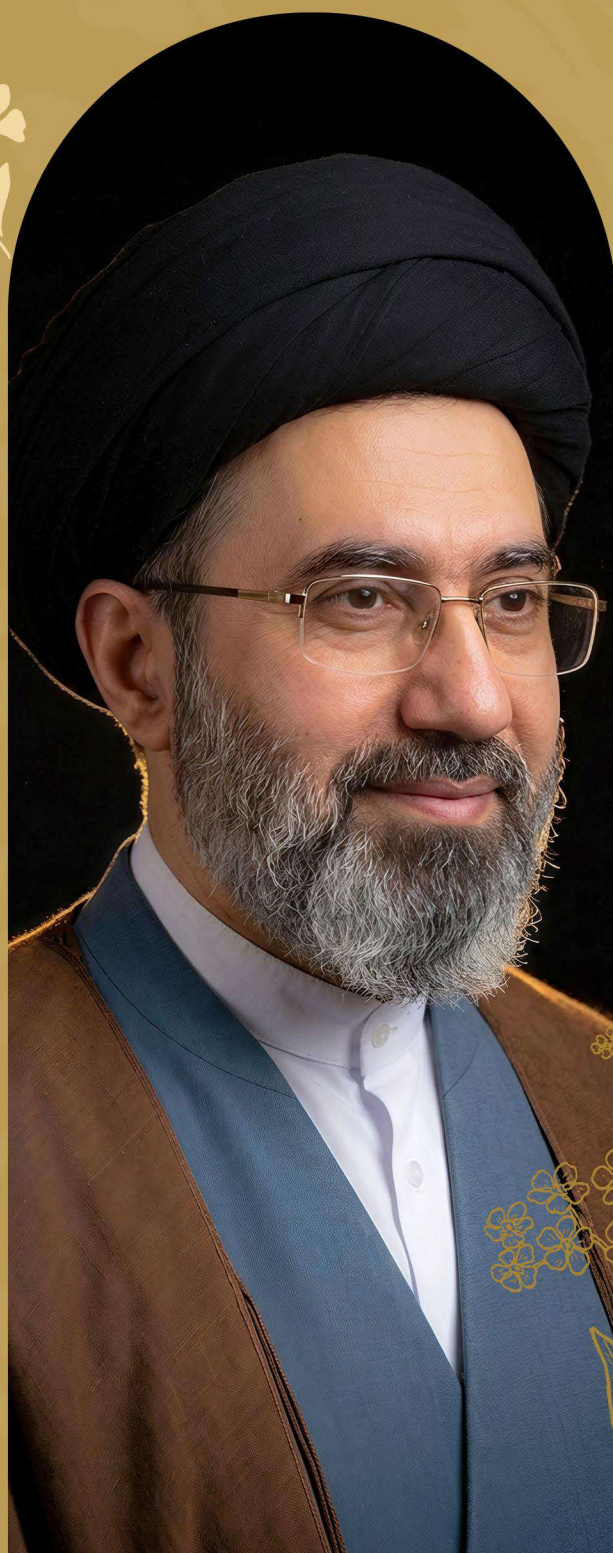
چهارم: توطئه علیه سایر حکام اسلامی؛ حمایت از انقلابیون علیه حکام مخالف

نکته قابل تأمل آنکه دفاع بی‌قید و شرط المدخلی از آل سعود، به معنای احترام به همه حکام اسلامی نیست. او در عمل، بین حکام عرب تمایز قائل می‌شود و از برخی در برابر دیگران حمایت می‌کند.

بارزترین نمونه این رویکرد، حمایت او از «خلیفه هفتم» در لیبی است. هفتم که یک نظامی کودتاگر علیه دولت قانونی

لیبی به شمار می‌رود، از حمایت کامل المدخلی و جریان مدخلیه برخوردار شد. این در حالی است که المدخلی از هرگونه قیام مردمی علیه حکام سعودی به شدت نهی می‌کند. این تناقض آشکار، نشان می‌دهد که ملاک او در دفاع یا مخالفت با حکام، «میزان وفاداری به عربستان سعودی» است، نه «عدالت» یا «مشروعیت»

آنچه تفرقه‌افکنی المدخلی را از دیگر جریان‌ها متمایز می‌سازد، نقاب «دفاع از سنت» بر چهره اوست. او با استفاده از ادبیات به اصطلاح سلفی و تکفیر مخالفان، عملاً به ابزاری برای تضعیف وحدت اسلامی و تحکیم سلطه سیاسی آل سعود تبدیل شده است. میراث فکری او، که امروز در قالب جریان مدخلیه در کشورهای مختلف دنبال می‌شود، همچنان یکی از موانع اصلی بر سر راه تقریب مذاهب و وحدت اسلامی به شمار می‌رود.



مُنَادِیْ اَمّت

هفته نامه منادیان امت | شماره سی و سه | خرداد ماه ۱۴۰۵

